

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

خورخه مارتین- ۹ فبروری
برگردان از: آرش عزیزی
۲۶ مارچ ۲۰۱۳

تونس، پیش به سوی انقلاب دوم؟

در صبح روز ۶ فبروری، شکری بلعید، رهبر شاخص چپ، در مقابل خانه‌اش در شهر تونس به قتل رسید. هزاران نفر به خیابان ریخته‌اند، به دفاتر حزب حاکم، النهضة، که مسؤول این ترور می‌دانند، حمله برده‌اند و برای فردا، ۸ فبروری، فراخوان به اعتصاب عمومی داده شده است. این می‌تواند حادثه‌ای باشد که انقلاب دومی که نیاز بسیاری به آن احساس می‌شود، دو سال پس از سرنگونی رژیم منفور بن علی، رقم می‌زند.

شکری بلعید دبیر کل «حزب متحد دموکرات‌های میهن‌پرست» (PUPD) بود که خود را نیروئی مارکسیست و پان-عربیست معرفی می‌کند. او در ضمن از چهره‌های رهبری «جبهه مردمی» بود، ائتلافی از نیروهای چپ از جمله «حزب کارگران» (SPT که سابقاً PCOT یا حزب کمونیست کارگران نام داشت). خانواده و رفقای بلعید تقصیر ترور او را بر گردن به اصطلاح «اتحادیه‌های حفاظت از انقلاب» می‌دانند. این «اتحادیه‌ها» دار و دسته‌های اوباش فاشیست در ارتباط با حزب حاکم، النهضة، هستند. همه الهامی، سخنگوی جبهه مردمی و رهبر اصلی حزب کارگران، اعلام کرد: «دولت به مثابه کل مسؤول این جرم سیاسی است.» دولت کنونی ائتلافی است بین النهضة اسلام‌گرا، «کنگره برای جمهوری» (CPR) و «التکثل» سوسیال دموکرات.

در روز شنبه، ۲ فبروری، یکی از کنگره‌های منطقه‌ای «حزب متحد دموکرات‌های میهن‌پرست» مورد حمله دار و دسته‌های سلفی قرار گرفت و ۱۱ نفر زخمی شدند. شکری بلعید در آن جلسه النهضة را به عنوان مسؤول حمله محکوم کرد. این حمله آخرین نمونه در کارزاری دائمی و روزافزون از ارباب و خشونت به دست افراطیون اسلامی بود. با پخش خبر ترور او، هزاران نفر بلافاصله دست به تظاهرات‌های اعتراضی هم در پایتخت، تونس، و هم در شهرهای کوچک و بزرگ در سراسر کشور زدند از جمله قفصه، سیدی بوزید، باجه، قصرین، بنزرت، مهدیه، سوسه، سلیانه و مزونه. در بسیاری از این نقاط، تظاهرکنندگان دست به غارت و آتش کشیدن دفاتر حزب حاکم النهضة زدند. هزاران نفر در خیابان حبیب بورقبیه در پایتخت و بیرون وزارت کشور گرد آمدند. بار دیگر، فریادهای «الشعب یرید اسقاط النظام» (مردم سقوط نظام را می‌خواهند) که فریاد انقلاب تونس علیه بن علی بود شنیده شد. نکته شگفت‌آور این‌که علی رغم محکومیت رسمی ترور بلعید توسط دولت و النهضة، دولت علیه تظاهرکنندگان و علیه هیأت همراه آمبولانس حاوی جسد بلعید، از پولیس ضدشورش و گاز اشک‌آور استفاده کرد.

بعضی تظاهرات‌ها در آن روز و در روز پنجشنبه به ابعاد قیام رسیده‌اند. در سیدی بوزید، جوانان در سراسر شب با پولیس درگیر شدند و به پادگان پولیس حمله بردند و در نهایت آن‌ها را مجبور به عقب‌نشینی کردند و ارتش جایشان را در خیابان گرفت. در جندوبه، تظاهراتی که شاخه محلی او.ژ.ت.ب. اتحادیه کارگری، در روز پنجشنبه، ۷ فبروری، سازمان داد، دست به اشغال فرمانداری منطقه زد و خواهان ترک منطقه توسط فرماندار شد. همین‌طور در قفصه، که به دست اعتصاب عمومی فلج شده بود، تظاهرکنندگان وارد تخاصم با پولیس شدند در حالی که می‌کوشیدند ساختمان فرمانداری را اشغال کنند. در سلیانه هم شاهد اعتصاب عمومی بودیم (این شهر در نومبر ۲۰۱۲ نیز خیزشی مردمی به خود دیده بود). در قلبیه (نابل)، دفاتر النهضة مورد حمله قرار گرفت و نماینده دولت اخراج شد. در الکاف، که دو هفته پیش صحنه اعتصابی منطقه‌ای بود، دیروز و امروز شاهد تظاهرات‌هایی بزرگ بودیم و دفاتر النهضة مورد حمله قرار گرفت و مردم اعلام کردند هیچ یک از نمایندگان دولت حق ورود به منطقه را ندارند. گزارش‌های رسانه‌ها به این اشاره کرد که نیروهای پولیس بالکل غایب بودند و مبارزین «جبهه مردمی» دست به سازماندهی برای حفاظت از امنیت عمومی زده بودند.

روشن است که حتی پیش از ترور بلعید، شاهد بالا گرفتن ناراضی‌های و خشم بودیم که ماه‌ها روی هم تلنبار شده بود. دولت ائتلافی بی‌ثبات کنونی هرگز حمایت توده‌ای و مردمی نداشته. در زمان انتخابات مجلس مؤسسان در اکتوبر ۲۰۱۱، با شرکت تنها ۵۰ درصد از کسانی که در انتخابات ثبت نام کرده بودند، النهضة، حزب اصلی ائتلاف، تنها ۳۷ درصد آراء را گرفت و شرکای آن در ائتلاف حتی کمتر. «کنگره برای جمهوری»، ۸/۷ درصد و التکنل، ۷ درصد.

فقدان مشروعیت دولت سحزبی با این واقعیت هویدا بود که موج اعتصابات و خیزش‌های محلی که پس از سرنگونی دولت بن علی در روز ۱۴ جنوری ۲۰۱۱ درگرفت بی‌امان ادامه پیدا کرد، گرچه با افت و خیز.

دلیل بنیادین این واقعیت این است که شرایط اقتصادی و اجتماعی توده‌ها به هیچ طریق قابل توجهی تغییر نیافته است. پس از سرنگونی رژیم اوضاع حتی بدتر هم شده است. در گذشته، اقتصاد تونس به شدت متکی به سرمایه‌گذاری خارجی، که با کار ارزان و موقعیت سیاسی باثبات (یعنی رژیم دیکتاتوری بی‌رحمی که سرکوب اعتراضات اجتماعی را تضمین می‌کرد) جذب می‌شد، گردشگری و مهاجرت به اروپا به عنوان سوپاپ اطمینان بود. با درگرفتن بحران سرمایه‌داری در اروپا، این سه آبریکه همگی خشک شده‌اند. ده‌ها شرکت اروپایی کارخانه‌هایشان در تونس را تعطیل کرده‌اند چرا که نه تنها دیگر خبری از «صلح» اجتماعی نیست که اروپا دیگر نمی‌تواند بازار گرسنه‌ای برای محصولات‌شان باشد. گردشگری هم به دلایل مشابه فروپاشیده و در سال ۲۰۱۱ شاهد کاهش ۳۰ درصدی گردشگران بودیم.

باید به خاطر داشته باشیم که این بیشتر شرایط اجتماعی و اقتصادی بود که منجر به خیزش انقلابی شد که با سرنگونی بن علی خاتمه یافت. نرخ‌های مزمن بیکاری جوانان (بالای ۳۵ درصد) و هزاران نفر از فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاه‌ها که آینده‌ای ندارند از جمله دلایل اصلی جنبش هستند. هیچ کدام از این اوضاع تغییر نیافته. بیکاری در کل جمعیت حدود ۱۷ تا ۱۸ درصد است (نسبت به ۱۳ درصد پیش از انقلاب) و برای جوانان، ۴۰ درصد.

خیزش در سلیانه، که اعتصاب عمومی با تقاضای شغل و پیشرفت اقتصادی در ماه نومبر به برخورد با پولیس و آتش زدن دفاتر النهضة در آن کشید و بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شدند، خبر از آغاز موج جدیدی از اعتراضات می‌داد. در آغاز ماه دسمبر، دار و دسته‌های سلفی (که با رضایت دولت سراسری عمل می‌کنند) دست به حمله به دفاتر او.ژ.ت.ب. در پایتخت در همان روزی زدند که این اتحادیه کارگری مشغول بزرگداشت سالگرد ترور بنیانگذار خود بود. این حمله منجر به واکنشی خشمگین شد و رهبران اتحادیه مجبور شدند فراخوان به روز اعتصاب عمومی سراسری ملی در روز

۱۳ دسمبر دهند. حتی پیش از آن روز هم، مناطقی که نقشی کلیدی در انقلاب علیه بن علی داشتند در روز ۶ دسمبر اعتصاب کردند: قصه، سیدی بوزید، صفاقس و قصرین.

اعتصاب عمومی روز ۱۳ دسمبر را همگان اعتصابی سیاسی می‌دانستند که تنها هدف آن می‌توانست سرنگونی دولت باشد. فشار عظیمی بر رهبران او. ژ. ب. ت. گذاشته شد و آن‌ها تصمیم گرفتند آن‌را در آخرین لحظه لغو کنند. این تصمیم تنها با اکثریتی بسیار کوچک گرفته شد و نارضایتی وسیعی در میان صفوف اتحادیه موجود بود.

به هر حال، لغو اعتصاب چیزی را حل نکرد. اعتصاب‌ها و جنبش‌های محلی ادامه پیدا کرد و همچنین موج اعتصابات در بخش‌های مختلف شامل افسران گمرک، معلم‌های دبیرستان، استادان دانشگاه، افسران تأمین اجتماعی، بیمارستان‌ها و ... دسمبر ۲۰۱۲ با اعتصابی منطقه‌ای در جندوبه خاتمه یافت و جنوری ۲۰۱۳ با اعتصاب عمومی بسیار رادیکالی در الکاف شروع شد با شرکت ده‌ها هزار نفر در تظاهرات‌ها و بستن جاده‌ها در سراسر منطقه. بعضی از شرکت‌کنندگان در بستنشینی با تقاضای مشاغل، در نشان از استیصال پیش روی بسیاری بیکاران، دست به اعتصاب غذا زدند و تصمیم گرفتند لب‌های خود را بدوزند.

این فشار عظیم از پائین منجر به بحران در ائتلاف حاکم شد و انواع تلاش‌ها برای گسترش پایگاه آن، یعنی مسؤول کردن احزاب بیشتری برای سیاست‌های اقتصادی آن، انجام شد. در سراسر ماه جنوری فراخوان‌هایی داده شد تا نوعی کمیسیون «گفت و گوی ملی» برپا شود که هدف اصلی‌اش زنجیر کردن رهبران اتحادیه کارگری او. ژ. ب. ت. به نوعی معامله باشد که موج اعتصابات و خواسته‌های کارگران را خاتمه می‌دهد. در عین حال دولت مشغول مذاکره با صندوق جهانی پول برای وامی ۱/۸ میلیارد دلاری بوده است. شرایط مربوط به این وام به خودی خود دستور پخت انفجاری اجتماعی هستند چرا که خواهان حذف بیشتر قوانین بازار کار، کاهش یارانه کالاهای ساده و کاهش شمار کارمندان دولت هستند.

رهبری او. ژ. ب. ت. امروز، تحت فشار عظیم از پائین تصمیم گرفت فراخوان به اعتصاب عمومی برای فردا، جمعه، دهد، یعنی همزمان با تشییع جنازه شکری بلعید. در عین حال، نخست‌وزیر، حمادی الجبالی، تصمیم گرفت دولت را مرخص کند و فراخوان به انتصاب «دولت تکنوکرات» جدیدی دهد. النهضة (حزب آقای نخست‌وزیر) این پیشنهاد را رد کرده است. تحرکات و معاملات از بالا خبر از دشواری‌های طبقه حاکم تونس در پیدا کردن دولتی می‌دهد که مشروعیت کافی برای اجرای سیاست‌های ضدکارگری که از نقطه نظر آن‌ها باید پیاده شود، داشته باشد. این انعکاسی است از قدرت جنبش کارگران.

انقلاب ۲۰۱۰-۱۱ در تونس به اتمام نرسید. بن علی سرنگون شد اما رژیم او و نظام سرمایه‌داری که از آن دفاع می‌کرد هنوز پابرجا هستند. در زمان انقلاب هیچ یک از سازمان‌های انقلابی که می‌توانستند جنبش را فراتر از محدوده‌های دموکراسی بورژوائی و به سمت تحول اجتماعی واقعی بروند بدیل روشنی پیش نگذاشتند. در آن شرایط، کل جنبش محدود شد و روی خطوط بورژوا دموکراتیک منحرف شد.

انقلاب جدیدی که اکنون آماده می‌شود لازم می‌دارد درس کوتاهی‌های انقلاب قبلی را مطالعه کنیم و بیاموزیم. تنها راه حل مشکلات حاد توده کارگران و فقیران تونس از طریق مصادره تعداد اندک خانواده‌های سرمایه‌دار و شرکت‌های چندملیتی است که اقتصاد کشور را کنترل می‌کنند تا منابع کشور (مادی و انسانی) بتواند تحت برنامه دموکراتیک تولید قرار داده شود و شروع به پاسخ به نیازهای توده‌ها شود.

باید به روشنی گفت مادام که نظام سرمایه‌داری، بر پایه مالکیت خصوصی ابزار تولید، دست‌ناخورده باقی بماند، هیچ یک از مشکلات فقر، بیکاری و سرکوب پیش روی میلیون‌ها نفر از مردم تونس نمی‌تواند حل شود. این‌ها دقیقاً درس‌های دو سال گذشته هستند.

ده‌ها هزار نفر از کارگران و جوانان فی‌الحال برکات «دموکراسی» سرمایه‌داری در تونس را دیده‌اند. آن‌ها آماده و حاضر به مبارزه برای آزادی حقیقی هستند. آنچه به آن احتیاج داریم رهبری انقلابی است، مسلح به برنامه‌ای که بتواند توده‌ها را به پیروزی برساند. در سایر کشورهای عرب، به خصوص مصر، هم شاهد روندی مشابه هستیم. خیزش انقلابی جدید در تونس تأثیر وسیع‌تری از سرنگونی بن علی در دو سال پیش بر سراسر جهان عرب خواهد داشت.

منبع: مارکسیست دات کام، وبسایت گرایش بین‌المللی مارکسیستی، ۷ فیبروری ۲۰

یادداشت:

از این که مطلب ارسالی همکار عزیز ما آقای «عزیزی» را بعد از منتهای منتشر ساختیم، از ایشان پوزش می‌خواهیم. امید با در نظر داشت فشار کار بر ویراستاران و همکاران تخنیک‌پورتال، پوزش ما را بپذیریند.

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA